

افلاطون

کریتیون

Πλάτωνος Κρίτων

متن دوزبانه

ترجمه و افزوده‌ها:

ایمان شفیع بیک

## فهرست مطالب

۱۵.....	کوتاه‌نوشت آثار یونانی.....
۱۷.....	پیش‌گفتار.....
۲۹.....	کریتون.....
۶۷.....	یادداشت‌ها.....
۱۱۱.....	منابع.....
۱۱۵.....	نمایه‌ها.....
۱۱۷.....	نمایهٔ ارجاع‌ها به متون یونانی.....
۱۲۳.....	نمایهٔ واژگان یونانی.....
۱۲۷.....	نمایهٔ نام‌ها.....



B

تروا

فروگیا

آسیای صغیر



تساليا

دریای اژه

فتیا

بیوتیا

ایستاموس

پلوپونز

سونیون

دلوس

اسپارتا

لاکدایمون

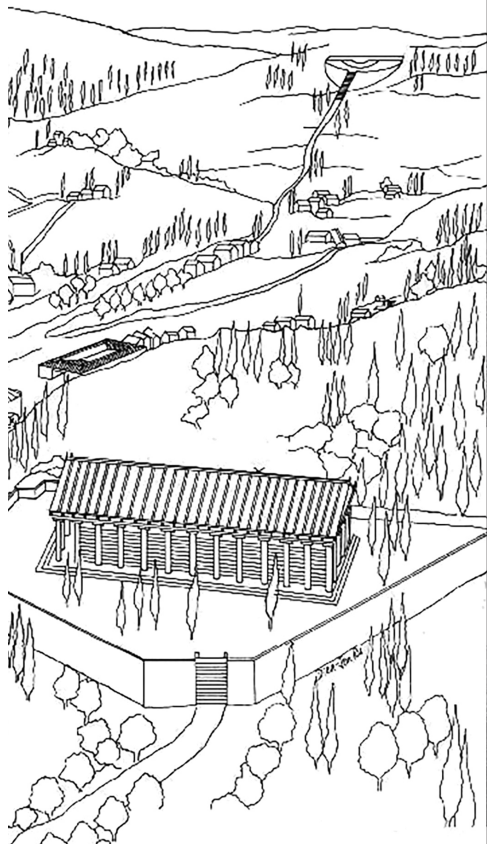
شمال



0 50 100 Miles

0 50 100 Kilometers

کرت



آتن در سده پنجم پیش از میلاد

طرح از:

Ru Dien-Jen



زندان

دادگاه

میدان مرکزی آتن

ὡς ἐγὼ οὐ νῦν πρῶτον ἀλλὰ καὶ ἀεὶ τοιοῦτος οἷος τῶν  
ἐμῶν μηδενὶ ἄλλῳ πείθεσθαι ἢ τῷ λόγῳ ὃς ἂν μοι  
λογιζομένῳ βέλτιστος φαίνηται. (46b4–6)

من، نه اکنون برای نخست‌بار که همیشه، از آن دست کسانی هستم که از میان آنچه  
آن من است به هیچ چیز سر نمی‌سپارم، به‌جز دلیلی که با سنجش‌گری نزد من بهترین  
دلیل نمودار شود.

... οὐ τὸ ζῆν περὶ πλείστου ποιητέον ἀλλὰ τὸ εὖ ζῆν.  
(48b5)

ارزشمندترین کاری که باید در پیش گیریم، نه زیستن، بلکه خوب زیستن است.

οὐδὲ ἀδικούμενον ἄρα ἀνταδικεῖν, ὡς οἱ πολλοὶ  
οἴονται, ἐπειδὴ γε οὐδαμῶς δεῖ ἀδικεῖν. (49b9–10)

از آن‌جا که هرگز نباید ستم کرد، حتی ستم‌دیده نباید، آن‌گونه که تودهٔ مردمان گمان  
می‌برند، ستم را با ستم سزا دهد.

## کوته‌نوشت آثار یونانی

### ۱. نوشته‌های افلاطون

عنوان لاتین	کوته‌نوشت	عنوان فارسی
<i>Apologia</i>	<i>Ap.</i>	دفاعیه
<i>Charmides</i>	<i>Chrm.</i>	خارمیدس
<i>Cratylus</i>	<i>Cra.</i>	کراتولوس
<i>Crito</i>	<i>Cr.</i>	کریتون
<i>Euthydemus</i>	<i>Euthd.</i>	اوتودموس
<i>Euthyphro</i>	<i>Euthph.</i>	اوتوفرون
<i>Gorgias</i>	<i>Grg.</i>	گورگیاس
<i>Ion</i>	<i>Ion</i>	ایون
<i>Laches</i>	<i>La.</i>	لاخس
<i>Leges</i>	<i>Lg.</i>	قوانین
<i>Lysis</i>	<i>Ly.</i>	لوسیسی
<i>Meno</i>	<i>Men.</i>	منون
<i>Phaedo</i>	<i>phd.</i>	فایدون
<i>Phaedrus</i>	<i>Phdr.</i>	فایدروس
<i>Protagoras</i>	<i>Prt.</i>	پروتاگوراس
<i>Respublica</i>	<i>R.</i>	جمهوری
<i>Symposium</i>	<i>Smp.</i>	مهمانی
<i>Theaetetus</i>	<i>Tht.</i>	تِئائِتِتوس



## ۲. نوشته‌های دیگر نویسندگان و سُراینندگان یونانی

<i>Aves</i>	<i>Av.</i>	پندگان	آریستوفانیس
<i>Persae</i>	<i>Pers.</i>	پارسیان	آیسخولوس
<i>Atheniensium Respublica</i>	<i>Ath.</i>	نظام سیاسی آتن	ارسطو
<i>Poetica</i>	<i>Po.</i>	فن شعر	
<i>Bacchae</i>	<i>Ba.</i>	زنانِ دیونوسوسی	اورپیدیس
<i>Electra</i>	<i>El.</i>	إلکترا	
<i>Helena</i>	<i>Hel.</i>	هیلنا	
<i>Medea</i>	<i>Med.</i>	مدیا	
<i>Thucydidis Historia Belli Peloponnesiaci</i>	<i>Th.</i>	تاریخ جنگِ پلوپونزی	توکودیدیس
<i>Apologia</i>	<i>Xen. Ap.</i>	دفاعیه	کسنوفون
<i>Memorabilia</i>	<i>Mem.</i>	خاطراتِ سقراطی	
<i>Oedipus Coloneus</i>	<i>OC</i>	اودیپوس در کُنوس	سوفوکلیس
<i>Ilias</i>	<i>Il.</i>	ایلیاد	هومر

## پیش‌گفتار

کریتون یکی از کوتاه‌ترین دیالوگ‌های افلاطون است؛ اما به‌رغم حجم اندک و زبان و ساختار و درون‌مایه به‌ظاهر ساده، مسائل پیچیده و تفسیرپذیری در بر دارد که دستمایه موشکافی‌ها و بحث‌های درازآهنگ در میان سقراط‌شناسان شده و مقاله‌ها و کتاب‌های پرشماری به بار آورده است. واکاوی‌های این دیالوگ در فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق خواننده را نسبت به میزان سازگاری یا ناسازگاری اخلاق و قانون، حق فردی و مسئولیت اجتماعی، آزادی فردی و پایبندی به احکام حکومتی، و این‌که در هریک از این دوگانه‌ها، به کدام‌یک باید اولویت بخشید، به تأمل وامی‌دارد و ذهن او را با این پرسش درگیر می‌سازد که آیا شهروندان وظیفه دارند که همواره قوانین و احکام قضایی را کورکورانه بپذیرند، و آیا تحت هیچ شرایطی، حتی اگر به آنان ظلم شود، حق نافرمانی مدنی ندارند. در کنار مسائلی از این دست، کریتون از اصلی‌ترین منابع پژوهش درباره اندیشه و منش سقراط و، همراه با دفاعیه و بخش‌هایی از فایدون، مهم‌ترین گزارش از واکنش او به اتهام و محکومیت و مرگ است.

هر سه نوشته نمایش‌های تراژدی‌وار و اندوه‌بار از پایانِ راهِ سقراط است، و در عین حال نمایان‌گر سرفرازی و استواری او در راهی که در پیش گرفته‌است. این سه اثر همراه با اوتوفرون، به دیالوگ‌های «مرگ سقراط» شهرت یافته‌اند؛ چراکه هریک، از لحاظ تاریخ و مکانِ نمایشی و محتوا، جنبه‌ای از ماجرای منجر به مرگ او را در بر می‌گیرد. اوتوفرون گفت‌وگویی ست پیش از محاکمه سقراط در میدانِ اصلی (agora) آتن، بیرون از دادگاهی که قرار است در آن محاکمه شود. سقراط در آغازِ گفت‌وگو با اوتوفرون، اتهام‌هایی را که به او زده‌اند و موضع خود در برابر آن‌ها را باز می‌گوید. دفاعیه گزارش افلاطون از محاکمه سقراط و سخنان او در دفاع از خویش و واکنش او به حکم اعدام است. کریتون گفت‌وگوی سقراط با دوست خود، کریتون، در اواخرِ دورهٔ سی‌روزه‌ای است که پس از محکومیت، در زندان (نزدیک همان دادگاه) و در انتظار اعدام به سر می‌برد. و سرانجام، فایدون روایتی ست از حالات و سخنان سقراط در واپسین روزِ زندگانی او در زندان، در میانِ یارانی که از بامداد به دیدار او آمدند، و حکایتی ست از مرگ او با نوشیدن شوکران در شامگاه آن روز. اما کریتون بیش از هر اثری، با دفاعیه توازی و ارتباطِ تنگاتنگ دارد و دنباله و مکمل آن است، به گونه‌ای که اشاره‌هایی پیدا و پنهان در جای‌جای کریتون خواننده را به دفاعیه ارجاع می‌دهد؛ از این رو، مطالعهٔ دفاعیه خوانش دقیق‌تر و فهم عمیق‌تری از کریتون به ارمغان می‌آورد.

چهار دیالوگی که یاد شد، چهارگانه (tetralogia) نخست را در ویراستِ تراسولوس (Thrasyllos) تشکیل می‌دهد. تراسولوس کسی ست که در نیمهٔ نخستِ سدهٔ یکم میلادی در اسکندریه، بر اساس نسخه‌های خطی‌ای که از نوشته‌های افلاطون در دست داشت، ویراستی از مجموعهٔ آثار او بر جای

گذاشت که پایه همه نسخه‌برداری‌های بعدی شد. او، به پیروی از پیشینیان خویش، سی و پنج دیالوگ افلاطون و مجموعه‌ای از سیزده نامه منسوب به او را در نه چهارگانه دسته‌بندی کرد و همراه با پیوستی شامل هفت اثر مجعول و منسوب به افلاطون منتشر ساخت. این‌گونه بخش‌بندی آثار به چهارگانه‌ها، اقتباسی بود از سنت گروه‌بندی سوگ‌نامه‌های یونانی به دسته‌های سه‌گانه (trilogia). در سده شانزدهم هانری ایتین (Henri Estienne)، که بیشتر به معادل لاتین نام خود، یعنی به استفانوس (Stephanus)، آوازه یافته است، ویراستی از آثار افلاطون منتشر ساخت و هر صفحه آن را از حرف a تا حداکثر e بخش‌بندی کرد. شماره صفحه‌های او که به «صفحه‌های استفانوس» شهرت یافته، همراه با حروف بخش‌های هر صفحه، در ویراست‌های بعدی و در اکثر ترجمه‌ها به کار رفته و مبنای واحدی برای ارجاع به نوشته‌های افلاطون شده است. حروف بخش‌های صفحه‌ها، ارجاع به فقره مشخصی از هر صفحه را ممکن می‌سازد. اما برای دقیق‌ترین ارجاع به متن یونانی، می‌توان شماره سطر(ها) را نیز به حروف افزود. بر این مبنای 44a2-4 به معنی سطرهای دوم تا چهارم از بخش نخست صفحه استفانوس چهل و چهار است.

عناوین آثار افلاطون در اکثر آن‌ها نام یکی از شخصیت‌های اصلی در گفت‌وگوست: در اکثر دیالوگ‌هایی که سخن‌گوی اصلی سقراط است، عنوان دیالوگ، نام هم‌سخن یا یکی از هم‌سخنان اوست؛ و در دیالوگ‌هایی که محوریت یا حضور سقراط رنگ می‌بازد، عنوان دیالوگ، نام سخن‌گوی اصلی است. عناوین فرعی عناوینی موضوعی و افزوده افلاطونیان متأخر (و به روایتی تراسولوس) به عناوین اصلی است. عنوان فرعی کرتون، درباره وظیفه (περὶ πρακτέου) (به معنی تحت‌اللفظی درباره کاری که باید کرد) است؛

كریتون

Κρίτων

## کریتون

[43a] سقراط: چرا به این زودی آمده‌ای، ای کریتون؟ یا اکنون زود هنگام نیست؟

کریتون: البته زود است.

سقراط: چه هنگامی است؟

کریتون: پیش از سپیده دم است.<sup>۱</sup>

سقراط: در شگفتم که چگونه زندان بان خواست که به تو گوش فرادهد.<sup>۲</sup>

کریتون: اکنون با من دمساز است، ای سقراط؛ چرا که به این جا آمدورفت می‌کنم، و لطفی نیز از من دیده است.<sup>۳</sup>

سقراط: و آیا هم اکنون رسیدی یا دیرگاهی است؟

کریتون: کم‌وبیش دیرگاهی است.

[b] سقراط: پس چرا به جای این که در خاموشی کنارم بنشینی، بی‌درنگ بیدارم نکردی؟

کریتون: به ژئوس سوگند، نه، ای سقراط، [اگر من به جای تو بودم،] خود

نمی‌خواستم که در این چنین بیداری و پریشانی باشم، ولی در تمام این

مدت از تو در شگفتم که می‌بینم چنین آسوده خوابیده‌ای؛ و به‌عمد تو

را بیدار نمی‌کردم تا در کمال آسودگی به سر بری. پیش‌تر نیز در سراسر

زندگانی‌ام، بارها تو را از جهت خلق و خویت نیک‌بخت شمرده‌ام، ولی در این

سیه‌روزی که اکنون بر سرت آمده، بسی بیشتر تو را نیک‌بخت می‌شمرم؛

چرا که به‌آسانی و آرامی تاب می‌آوری.<sup>۴</sup>

سقراط: البته، ای کریتون، دلیل آن این است که اگر اکنون باید مرد، آشفستگی

سزاوار این سن و سال<sup>۵</sup> نیست.<sup>۶</sup>

[c] کریتون: ای سقراط، دیگران نیز در این سن، به چنین سیه‌روزی‌هایی گرفتار

می‌آیند، ولی سن‌شان به هیچ روی ایشان را از آشفستگی در رویارویی با

بخت پیش‌آمده مصون نمی‌دارد.

سقراط: چنین است. اما چرا به این زودی آمده‌ای؟

## Πλάτωνος Κρίτων

- 43a **ΣΩ.** *Τί τηνικάδε ἀφίξαι, ὦ Κρίτων; ἢ οὐ πρῶ ἔτι ἐστίν;*  
**ΚΡ.** *Πάνυ μὲν οὖν.*  
**ΣΩ.** *Πηνίκα μάλιστα;*  
**ΚΡ.** *Ὅρθρος βαθύς.*
- 5 **ΣΩ.** *Θαυμάζω ὅπως ἠθέλησέ σοι ὁ τοῦ δεσμοτηρίου φύλαξ ὑπακούσαι.*  
**ΚΡ.** *Συνήθης ἤδη μοί ἐστιν, ὦ Σώκρατες, διὰ τὸ πολλάκις δεῦρο φοιτᾶν, καί τι καὶ εὐεργέτηται ὑπ' ἐμοῦ.*  
**ΣΩ.** *Ἄρτι δὲ ἤκεις ἢ πάλαι;*
- 10 **ΚΡ.** *Ἐπεικῶς πάλαι.*
- b **ΣΩ.** *Εἶτα πῶς οὐκ εὐθύς ἐπήγειράς με, ἀλλὰ σιγῇ παρακάθησαι;*  
**ΚΡ.** *Οὐ μὰ τὸν Δία, ὦ Σώκρατες, οὐδ' ἂν αὐτὸς ἤθελον ἐν τῷ αὐτῷ τε ἀγρυπνία καὶ λύπη εἶναι, ἀλλὰ καὶ σοῦ*
- 5 *πάλαι θαυμάζω αισθανόμενος ὡς ἠδέως καθεύδεις· καὶ ἐπίτηδές σε οὐκ ἤγειρον ἵνα ὡς ἠδιστα διάγῃς. καὶ πολλάκις μὲν δὴ σε καὶ πρότερον ἐν παντὶ τῷ βίῳ ἠδαιμόνισα τοῦ τρόπου, πολὺ δὲ μάλιστα ἐν τῇ νῦν παρεστώσῃ συμφορᾷ, ὡς ῥαδίως αὐτὴν καὶ πρᾶως φέρεις.*
- 10 **ΣΩ.** *Καὶ γὰρ ἂν, ὦ Κρίτων, πλημμελὲς εἶη ἀγανακτεῖν τηλικούτων ὄντων εἰ δεῖ ἤδη τελευτᾶν.*
- c **ΚΡ.** *Καὶ ἄλλοι, ὦ Σώκρατες, τηλικούτοι ἐν τοιαύταις συμφοραῖς ἀλίσκονται, ἀλλ' οὐδὲν αὐτοὺς ἐπιλύεται ἢ ἡλικία τὸ μὴ οὐχὶ ἀγανακτεῖν τῇ παρούσῃ τύχῃ.*  
**ΣΩ.** *Ἔστι ταῦτα. ἀλλὰ τί δὴ οὕτω πρῶ ἀφίξαι;*

**کریتون:** ای سقراط، خبر ناگواری آورده‌ام، [ولی] چنان‌که بر من پیداست، نه برای تو، بلکه برای من و جملگی یاران ناگوار و جانگداز است؛<sup>۷</sup> خبری که می‌پندارم در شمار جانگدازترین خبرهایی‌ست که باید تاب آورم.

**سقراط:** آن خبر چیست؟ آیا آن کشتی از دِلوس<sup>۸</sup> رسیده است، [d] که من با رسیدنش باید بمیرم؟<sup>۹</sup>

**کریتون:** البته هنوز نرسیده است، ولی از آنچه کسانی خبر می‌دهند که از سونیون<sup>۱۰</sup> رسیده‌اند و آن کشتی را در آن‌جا پشت سر گذاشته‌اند، چنین برمی‌آید که امروز خواهد رسید. از این خبرهای پیام‌آوران<sup>۱۱</sup> روشن است که امروز خواهد رسید، و ای سقراط، ناگزیر خواهی بود که تا فردا زندگی‌ات را پایان بخشی.

**سقراط:** اما، ای کریتون، این را به فال نیک باید گرفت، و چنین باد اگر این‌گونه برای ایزدان خوشایند است؛ با این همه، گمان نمی‌کنم که آن کشتی فردا برسد.

[44a] **کریتون:** از کجا این را حدس می‌زنی؟

**سقراط:** من به تو خواهم‌گفت. گویی پس از این که کشتی بیاید، من باید بمیرم.

**کریتون:** به هر روی، آنان که این کارها را به دست دارند<sup>۱۲</sup> چنین می‌گویند.

**سقراط:** پس، گمان نمی‌کنم که آن کشتی امروز بیاید، بلکه فردا خواهد رسید. و این را از خوابی که اندکی پیش‌تر هم‌امشب دیده‌ام، حدس می‌زنم؛ و گویی به‌هنگام مرا بیدار نکردی.

**کریتون:** و خوابت چه بود؟

**سقراط:** زنی زیبا و خوش‌سایما بر من نمایان شد که به سویم می‌آمد، [b] با جامه‌هایی سپید<sup>۱۳</sup> در بر؛ مرا خواند و گفت: «ای سقراط، در سومین روز می‌توانی به فتیبا<sup>۱۴</sup>ی حاصل‌خیز برسی.»<sup>۱۵</sup>

**کریتون:** خواب غریبی‌ست، ای سقراط.

**سقراط:** اما، چنین می‌نماید که روشن است، ای کریتون.<sup>۱۶</sup>

**کریتون:** چنان‌که به نظر می‌رسد، بسیار روشن است. اما، ای سقراط اسرارآمیز<sup>۱۷</sup>، حتی اکنون نیز [که اندک‌زمانی بیش نمانده،] به من اعتماد کن و نجات پیدا کن. چراکه اگر تو بمیری، برای من [تنها] یک سیه‌روزی نیست:



5 **KP.** Ἀγγελίαν, ὦ Σώκρατες, φέρων χαλεπήν, οὐ σοί, ὡς ἐμοὶ φαίνεται, ἀλλ' ἐμοὶ καὶ τοῖς σοῖς ἐπιτηδείοις πᾶσιν καὶ χαλεπήν καὶ βαρείαν, ἣν ἐγώ, ὡς ἐμοὶ δοκῶ, ἐν τοῖς βαρύτατ' ἂν ἐνέγκαιμι.

**ΣΩ.** Τίνα ταύτην; ἢ τὸ πλοῖον ἀφίκεται ἐκ Δήλου, οὐ δεῖ d ἀφικομένου τεθνάναι με;

**KP.** Οὗτοι δὴ ἀφίκεται, ἀλλὰ δοκεῖν μὲν μοι ἤξει τήμερον ἐξ ὧν ἀπαγγέλλουσιν ἤκοντές τινες ἀπὸ Σουνίου καὶ καταλιπόντες ἐκεῖ αὐτό. δῆλον οὖν ἐκ τούτων τῶν 5 ἀγγέλων ὅτι ἤξει τήμερον, καὶ ἀνάγκη δὴ εἰς αὖριον ἔσται, ὦ Σώκρατες, τὸν βίον σε τελευτᾶν.

**ΣΩ.** Ἄλλ', ὦ Κρίτων, τύχη ἀγαθῆ, εἰ ταύτη τοῖς θεοῖς φίλον, ταύτη ἔστω· οὐ μέντοι οἶμαι ἤξειν αὐτὸ τήμερον.

44a **KP.** Πόθεν τοῦτο τεκμαίρη;

**ΣΩ.** Ἐγὼ σοὶ ἐρώ. τῇ γάρ που ὑστεραία δεῖ με ἀποθνήσκειν ἢ ἢ ἂν ἔλθῃ τὸ πλοῖον.

**KP.** Φασὶ γέ τοι δὴ οἱ τούτων κύριοι.

5 **ΣΩ.** Οὐ τοίνυν τῆς ἐπιούσης ἡμέρας οἶμαι αὐτὸ ἤξειν ἀλλὰ τῆς ἐτέρας. τεκμαίρομαι δὲ ἔκ τινος ἐνυπνίου ὃ ἐώρακα ὀλίγον πρότερον ταύτης τῆς νυκτός· καὶ κινδυνεύεις ἐν καιρῷ τινὶ οὐκ ἐγείραι με.

**KP.** Ἦν δὲ δὴ τί τὸ ἐνύπνιον;

10 **ΣΩ.** Ἐδόκει τίς μοι γυνὴ προσελθοῦσα καλὴ καὶ b εὐειδής, λευκὰ ἱμάτια ἔχουσα, καλέσαι με καὶ εἰπεῖν· “ὦ Σώκρατες,

ἤματί κεν τριτάτῳ Φθίην ἐρίβωλον ἴκοιο.”

**KP.** Ὡς ἄτοπον τὸ ἐνύπνιον, ὦ Σώκρατες.

5 **ΣΩ.** Ἐναργές μὲν οὖν, ὡς γέ μοι δοκεῖ, ὦ Κρίτων.

**KP.** Λίαν γε, ὡς ἔοικεν. ἀλλ', ὦ δαιμόνιε Σώκρατες, ἔτι